

حسینیه آیت‌الله حق‌شناس | دین و زیبایی‌های آن - ۲

پناهیان: داشتن انگیزه سالم برای «امر به معروف و نهی از منکر»، در گرو درک زیبایی دین است

پناهیان: مؤمن باید آنقدر از دین لذت برده باشد و لبریز از زیبایی دین باشد که به دنیای دیگران نگاه هم نکند. چرا مؤمنین گاهی نسبت به دنیا میل و کششی احساس می‌کنند؟ چون به اشتباه تصور می‌کنند که دنیای دیگران زیبا است. کشش دنیا به این تصور باطل برمی‌گردد که اهل دنیا، از دنیای خود خیلی لذت می‌برند.

بخش‌هایی از **دومین** سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان در حسینیه آیت الله حق شناس با موضوع: «**دین و زیبایی‌های آن**» را در ادامه می‌خوانید:

درک زیبایی دین به اذن خدا ممکن است / ما می‌توانیم مقدمات درک زیبایی دین را فراهم کنیم

- درک زیبایی دین، یک امر حصولی است و نیاز به اذن و لطف الهی دارد ولی مقدمات آن تحصیلی است. نتیجه این مقدمات را خدا باید عنایت کند که همان درک زیبایی دین است. با توجه به آیه شریفه «**وَ لَکِنَّ اللّٰهَ حَبَّبَ اِلَیْکُمُ الْاِیْمَانَ وَ زَيَّنَّهٗ فِیْ قُلُوْبِکُمْ وَ کَرَّهَ اِلَیْکُمُ الْکُفْرَ وَ الْفُسُوْقَ وَ الْعِصْیَانَ اُولٰٓئِکَ هُمُ الرَّاشِدُوْنَ (حجرات/۷)**» معلوم می‌شود که این زیبا قرار دادن ایمان، هدیه ویژه الهی است و از امدادهای غیبی خدا محسوب می‌شود. درک شیرینی ایمان، قطعه‌ای از بهشت و رضوان الهی است که در این دنیا محقق می‌شود و اجر و پاداشی است که خدا در همین دنیا به مؤمنین می‌دهد و این، کار خداست. ما مقدمات درک زیبایی دین را فراهم می‌کنیم و زیبایی دین و ایمان را خدا در دل ما قرار می‌دهد. آن چیزی که کار ماست و باید با آن مقابله کنیم، بیشتر در طرف دیگر این زیبایی قرار دارد. نقطه مقابل زیبایی دین، زیبایی دنیا و زیبایی اعمال ما است.

زیبایی دین، یک عبارت قرآنی است، نه یک بحث ذوقی

- وقتی صحبت از زیبایی می‌شود، این‌گونه نیست که به بحثی ذوقی پرداخته باشیم، چون وقتی بحثی را ذوقی بدانیم، از اهمیت آن کاسته‌ایم. زیبایی دین، یک عبارت قرآنی است و ریشه قرآنی دارد. زینت ایمان در قلوب مؤمنین، یک کار عبث نیست، چون خدا کار عبث نمی‌کند. از طرف دیگر زیبایی دنیا و زیبایی اعمال در نزد کافران هم، کلامی ذوقی نیست و مورد توجه قرآن کریم بوده است. زیبایی جایگاهی جدی در حیات بشر و در دین دارد.

عجب و حسادت، خطر بی‌توجهی به زیبایی دین

- این نگرانی جدی وجود دارد که اگر کسی به زیبایی دین نپردازد، لذتش از دینداری کم شود، و اگر لذت کسی از دینداری کم شود، دچار عجب می‌شود؛ چون به حد لازم بهره و لذت نبرده است. در صورت لذت نبردن از دینداری نه تنها عجب پیدا می‌شود، بلکه حسادت هم ایجاد می‌شود و فرد دیندار به فرد بی‌دین حسادت می‌کند. **فرد مذهبی‌ای که از دین لذت کافی نبرده است، وقتی گناه یک فرد بی‌دین را می‌بیند، در ظاهر از رفتار گناهکار ناراحت می‌شود ولی علت واقعی ناراحتی‌اش، ریشه در دینداری ندارد بلکه بخشی از آن از روی حسادت است. او با خود می‌گوید: چرا گناهکار کیف می‌کند ولی من کیف نمی‌کنم؟!**

داشتن انگیزه سالم برای «امر به معروف و نهی از منکر»، در گرو درک زیبایی دین است

• یک فرد مذهبی به جای حسادت به گناه کار، باید دلش برای گناه کار بسوزد. نهی از منکر مبتنی بر حسادت نسبت به گناه کار نیست، بلکه باید بر مبنای دلسوزی باشد. اگر کسی لذت کافی از دینداری برده باشد و زیبایی آن را درک کرده باشد، حسادت نمی کند. چنین فردی مانند کسی است که به مجلس امام حسین (ع) رفته و چون لذت بالایی از روضه برده است، به کسی که به این جلسه نرفته، حسادت نمی کند؛ چون مطمئن است که او به اندازه خودش خوش نگذرانده است ولی دلش برای او می سوزد. اگر کسی از عبادات، تقیدات و بطور کلی از دین لذت نبرد، به احتمال زیاد وقتی می بیند دیگران از گناه و یا از دنیای خودشان لذت می برند، به آنها حسودی می کند. چنین حسادتی، خطر دیگری هم دارد؛ ممکن است در اثر حسادت، رقابتی هم شکل بگیرد که انسان سعی کند شبیه گناه کار شود.

زیبا پنداشتن دنیای دیگران؛ عامل کشش به دنیا

• مؤمن باید آنقدر از دین لذت برده باشد و لبریز از زیبایی دین باشد که به دنیای دیگران نگاه هم نکند. چرا مؤمنین گاهی نسبت به دنیا میل و کششی احساس می کنند؟ چون به اشتباه تصور می کنند که دنیای دیگران زیبا است. کشش دنیا به این تصور باطل برمی گردد که اهل دنیا، از دنیای خود خیلی لذت می برند.

آسیب اخلاقی و اجتماعی لذت نبردن از دینداری

• در اثر لذت نبردن از دینداری روحیاتی پیش می آید که امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه شریف می فرماید: گناه غیر خود را بزرگ می شمارد و بیشتر از آن را که خود مرتکب شده کوچک می انگارد، و بندگی خودش را زیاد می داند و همان را از دیگران ناچیز به حساب می آورد. (يَسْتَعْظِمُ مِنْ مَعْصِيَةِ غَيْرِهِ مَا يَسْتَقِيلُ أَكْثَرَ مِنْهُ مِنْ نَفْسِهِ وَ يَسْتَكْبِرُ مِنْ طَاعَتِهِ مَا يَخْفِرُهُ مِنْ طَاعَةِ غَيْرِهِ؛ نهج البلاغه/حکمت ۱۵۰). چنین فردی گناه دیگران را نابخشودنی و گناه خودش را بخشودنی می داند. گناه زیادش خودش را نادیده گرفته و گناه کم دیگران را نمی تواند نادیده بگیرد. این نگاه روابط اجتماعی انسان را مخدوش می کند. مؤمن باید اینطور باشد که گناه کم خودش را غیرقابل بخشش و گناه زیاد دیگران را کم و قابل بخشش بداند.

• در روایت دیگری از پیامبر اکرم نقل شده است که اگر کسی بگوید خدا فلانی را نمی بخشد، خدا همان فلانی را می بخشد و تمام گناهان او را به پرونده این فرد گوینده منتقل می کند. (إِنَّ رَجُلًا قَالَ يَوْمًا وَاللَّهِ لَا يَغْفِرُ اللَّهُ لِفُلَانٍ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ ذَا الَّذِي تَأَلَّى عَلَيَّ أَنْ لَا أَغْفِرَ لِفُلَانٍ فَإِنِّي قَدْ غَفَرْتُ لِفُلَانٍ وَ أَحْبَبْتُ عَمَلَ الثَّانِي بِقَوْلِهِ لَا يَغْفِرُ اللَّهُ لِفُلَانٍ؛ وسایل الشیعه/ج ۱۵/۳۳۶)

کسی که لذت زیبایی دین را دیده و از آن لذت برده، امر به معروفش هم اثر دیگری دارد

• کسی که خودش لذت کافی از دین برده و زیبایی آن را درک کرده، امر به معروف و نهی از منکرش هم اثر دیگری دارد؛ انبیاء و اولیاء الهی همینطور بوده اند. در اثر همین لذت بردن از دین است که در روایت می فرماید: الْمُؤْمِنُ غَرِيْبَةٌ النَّصِيْحُ (غیرالحکم/۷۰)؛ نصیحت کردن غریزه مؤمن است، نه اینکه وظیفه او باشد. مؤمن به صورت غریزی برای دیگران دلسوزی می کند. نصیحت، به معنای دلسوزی کردن است. دلسوزی، ناشی از لذت بردن بسیار زیاد از شرایطی است که در آن قرار داری ولی دیگری خودش را از آن محروم کرده است. دلسوزی در این شرایط مانند این است که ماشین مدل بالایی از معنویت را سوار شده ای و وقتی کنار جاده

می بینی عده‌ای پیاده می‌روند و خسته شده‌اند، دلت برای آنها بسوزد و آنها را هم سوار این ماشین کنی تا راحت‌تر به مقصد برسند. برای رسیدن به چنین شرایطی باید غرق زیبایی دین بشویم.

- غرق زیبایی دین شدن، کار ساده‌ای نیست و درک زیبایی آن، یک هدیه ویژه الهی است. ما مستقیماً نمی‌توانیم زیبایی دین را درک کنیم. این امر، تحصیلی نیست؛ حصولی است ولی در طرف مقابل زیبایی دین، مستقیم‌تر می‌توانیم عمل کنیم. طرف مقابل زیبایی دین، دیدن نازیبایی غیردین است؛ زیبا نبودن کفر، فسوق و عصیان و زشت بودن آن را باید درک کنیم. باید با این امر مقابله کنیم تا مبادا شیطان این موارد را پیش ما زیبا قرار دهد.

زیبا جلوه کردن اعمال بد خودمان، مانع دیدن زیبایی دین

- این موضوع برای خداوند متعال خیلی مهم بوده است؛ آیه قرآن می‌فرماید: و ما پیغمبرانی به سوی امت‌های پیش از تو (ای پیغمبر خاتم) فرستادیم و (چون از آن‌ها پیروی نکردند) به بلا و مصیبت گرفتارشان ساختیم شاید که (دعا و) گریه و زاری کنند، و چرا وقتی که بالای ما به آنها میرسید تضرع و زاری نکردند (تا نجات یابند)؟! و چون تضرع نکردند دل‌هایشان را قساوت گرفت و شیطان کارهایی را که انجام می‌دادند، برای آنها زیبا نشان داد؛ «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ * فَلَوْ لَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (انعام / ۴۲ و ۴۳)». آنها قلبشان قساوت پیدا کرده بود چون شیطان، عمل و شیوه زندگی، فرهنگ و سبک زندگی‌شان را برایشان زیبا جلوه داده بود. شیطان موفق شده است سبک زندگی و رفتار و عملکرد این افراد را برایشان زیبا جلوه بدهد؛ چنین فردی دیگر آدم شدنی نیست. زیبایی اعمال و رفتار ما نزد خودمان باید از سکه بیفتد.
- در آیه دیگری خداوند متعال می‌فرماید: «زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (بقره/۲۱۲)». با توجه به آیه قبل و این آیه می‌توان گفت در نگاه قرآن برای آدم‌های بد دو چیز زیبا جلوه داده می‌شود: ۱. اعمال بد ۲. حیات دنیا. دنیا نزد کسانی که کافر هستند، خیلی زیبا می‌شود. خداوند گاهی زیبا جلوه دادن دنیا را به شیطان و گاهی به خودش نسبت می‌دهد. وقتی یک نفر اینقدر رذل است که کافر می‌شود، خداوند هم دنیا را برایش زیبا قرار می‌دهد تا دنبال دنیا برود و سرگرم آن باشد.

امام حسین(ع) آغازی بر زیبایی‌ها

- امام حسین(ع) آغاز کننده خوبی برای زیبایی‌ها است و محبت به این زیبایی و درک آن، ما را از کفر و فسوق و عصیان دور نگه می‌دارد. کسی که محبت امام حسین(ع) را می‌چشد، محبت دنیا هم نزدش بی‌ارزش می‌شود...

